

رود زنان

از ک مازِ لَلا
موسیقی از گروه کورال زنان استرالیا

عشق و عدالت

ماه در پشت ابرها پنهان گشته است
و واپسین فروغ خورشید ناپدید می شود
در تاریکی حلبی آباد ها و در کوچه و خیابان
زنان و مردان و کودکان فریاد بر می آورند:
ما بیکاریم و بیکاری یعنی نداری و مردن از گرسنگی!
مادر ، من دوباره کودکی بدنی آورده ام
و احساس می کنم که میمیرم!

زنان زیبا و دلیر من!
قلم ، قلم سلاح شماست
بگذار نام خود را هزاران بار
بر روی لوح آزادی بنویسیم
که دستیابی بدان چه دشوار مینماید!
نگذاریم که ترس و خشم،
با دست سترگ خشونت بر ما حکم برانند!
هنگامی که ما سکوت خویش را بشکنیم
ماه رخشان دوباره در آسمان جلوه خواهد کرد.

همنویان:

عشق و عدالت پرچم من است
هر آنچه باشیم من با حقیقت خواهم زیست!
سوگند یاد می کنم که تا رسیدن به برابری
لحظه ای از پا نخواهم نشست!
بگذار که عشق و عدالت پرچم من باشد
من با حقیقت خواهم زیست هر آنچه بر سر راه من پیش آید
و اگر گذراز هزاران رودخانه گذرگاه من باشد!

هان آنان که زمین خسته را می کاوید
اندکی فراتر از خویشتن را نظر کنید!
زنان گوهر راستین و گنجینه همگانند

چرا که در برابر هر نام شهره ای
هزاران زن بی نام و بی نشان
زنده به آنند که با عشق و عدالت
جهان بهتری بپا سازند!

هان ای دختر ای خواهر ای مادر ای همسر
زمانی که تو بر خیزی
دیگران نیز قد علم خواهند کرد،
سعادت بر فرزند و پدر و همسر و برادر
لبخند خواهد زد،
در خانه و در کوچه و خیابان ، در شهر و روستا ،
بگذار تبسم ما در بیفشاند!

آه چه رؤیای غریبی داشتم
که در نیمه شبی پرستاره به سراغ من آمد:
زنان و مردان دست در دست ، صلح و عشق و دوستی داشتند
دل های شکسته ، زنگار غم برشته بودند
و تنهای فرو کوفته جانی دوباره یافته بودند!
کوه و رود و صخره و سنگ
بشادی در آمدند و
و ناقوس آزادی طنین خویش را بنواخت!

لینک موسیقی:

<http://www.youtube.com/watch?v=6HpCmdLRuF8>